

چکیده

سیاست پژوهی نوعی پژوهش مسئله‌محور است که با رعایت اقتضائات مواجهه با مسائل چند رشته‌ای و در بستری کاملاً هنجاری، می‌کوشد تا پیشنهادهایی را تحت عنوان «سیاست» به سیاست‌گذاران در مورد مسائل انضمامی جامعه پیشنهاد دهد. در این نوع پژوهش، سیاست‌پژوهان با رویکردهای متعددی به شناسایی و حل مسائل می‌پردازند که «رویکرد عقلانی» یکی از رایج‌ترین آنها است. در این رویکرد تلاش می‌شود از معادله‌هایی همچون معادله هزینه - فایده یا هزینه - اثربخشی برای کشف مسائل و پیشنهاد راه‌حلهای استفاده شود. اما، مسئله اصلی این است که اگر اندیشکده‌ها و محققین فعال در عرصه سیاست‌پژوهی جمهوری اسلامی ایران بخواهند از این رویکرد در تحقیقات خود استفاده کنند و از این رهگذر مواردی را به سیاست‌گذاران پیشنهاد دهند، باید از رویکرد «عقلانیت دینی» که کاملاً همسو با مبانی فکری جمهوری اسلامی بوده و ریشه در مبانی دینی داشته و صرفاً براساس معادله هزینه- فایده مادی تصمیم نمی‌گیرد، استفاده کنند. عدم توجه به اقتضائات این رویکرد سبب می‌شود نوعی سیاست‌گذاری سکولار رخ دهد. این مقاله تلاش دارد جایگاه مبانی دینی در فرایند و مراحل سیاست‌پژوهی و نوع تأثیرگذاری آنها در این فرایند را نشان دهد.

■ واژگان کلیدی

سیاست، سیاست پژوهی، مبانی دینی، عقلانیت دینی

فرایند تأثیرگذاری مبانی دینی در سیاست پژوهی با رویکرد عقلانی

مسعود فیاضی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران
(msd.fayazi@gmail.com)

۱- مقدمه و بیان مسئله

در نظام حکمرانی سنتی، تصمیمات حاکمان لزوماً برآمده از تحقیقات اندیشمندان و مبتنی بر نظریات علمی معتبر آنها نبوده است؛ چراکه در این الگوها، بین مقام اندیشه‌ورزی و مقام تصمیم‌گیری رابطه منطقی و تعریف‌شده‌ای وجود نداشته است. همین امر سبب شده بود؛ هم تصمیم‌های کارگزاران از اتقان علمی لازم برخوردار نباشد و با گذر زمان نادرستی بسیاری از آنها ثابت شود و هم تحقیقات محققان و اندیشمندان در راستای رفع نیازهای انضمامی جامعه صورت نگیرد و در نتیجه ماهیتی کاملاً انتزاعی پیدا کند. با رشد دستاوردهای صنعتی، تلاش شد برای رفع این نقیصه دست کم در ساحت اقتصاد و صنعت راه‌حلی پیدا شود تا تصمیمات دولتی، تجاری و صنعتی صورت عقلانی‌تری پیدا کنند (پارسونز، ۱۳۸۵: ۴۱). حوادث جنگ جهانی اول و دوم ضرورت رفع این نقیصه در ساحت‌های دیگر را نیز به خوبی روشن کرد و نشان داد که با توجه به رشد صنعت و دستیابی به ابزارها و امکانات فناورانه، تصمیمات نابخردانه سیاستمداران و حاکمان بسیار بیش از گذشته می‌تواند موجب ویرانی و خرابی‌های گسترده شود و کشورهای جهان را به ورطه سقوط بکشاند. از این جهت برخی اندیشمندان و سیاستمداران با تمرکز بر ضرورت عقلانی کردن تصمیم‌های حاکمان عملاً تلاش کردند بین مقام تولید اندیشه و مقام تصمیم‌گیری و اقدام، رابطه منطقی و معقولی برقرار کنند (پارسونز، ۱۳۸۵: ۳۶؛ قریب، ۱۳۹۰: ۲۰). شرایط و مطالبات اجتماعی جدید که پس از ویرانی‌های جنگ جهانی اول و دوم ایجاد شده بود، نیز موجب شد این ایده به سرعت جای خود را در بین حاکمان باز کند و روشی برای مشروعیت بخشی به تصمیم‌هایشان در افکار عمومی قلمداد گردد (همان). بدین ترتیب، واژه «سیاست» که تا قبل از آن، بیشتر در ساحت قدرت و علوم سیاسی به کار می‌رفت، معنا و کاربرد جدیدی پیدا کرد و به صورتی از تصمیمات حاکمان که مبتنی بر عقلانیت شکل گرفته بود و از این جهت معتبر و مشروع جلوه می‌کرد، اطلاق شد. اولین کسانی که این موضوع را به عنوان یک ساحت علمی جدید مورد توجه و بررسی قرار دادند و رشته علمی جدیدی در این خصوص تأسیس کردند، هارولد لاسول و همکارانش بودند (Howlett & Ramesh, 1995: 146). آنها این رشته را ذیل گرایش‌های علوم سیاسی و مرتبط با مطالعات استراتژیک تعریف کردند و آن را «سیاست‌گذاری عمومی»^۱ نامیدند (قریب، ۱۳۹۰: ۲۰). منظور آنها از واژه «عمومی»

اشاره به حوزه‌هایی بود که به عموم جامعه اختصاص داشت و نیازمند تنظیم یا دخالت دولت بود و عملی مشترک بین دولت و جامعه قلمداد می‌شد (پارسونز، ۱۳۸۵: ۳۰). بعد از لاسول و همکارانش افرادی چون هربرت سیمون، چارلز لیندبلوم و دیوید ایستن، مهم‌ترین افرادی هستند که در این رشته فعالیت کرده و آن را به نحو قابل توجهی توسعه دادند (همان: ۴۶). در مقابل، برخی دیگر از اندیشمندان سیاست‌گذاری عمومی را زیر مجموعه جامعه‌شناسی می‌دانستند؛ زیرا در نظر آنها این تلقی از سیاست بیشتر از جنس مطالعات جامعه‌شناختی بود تا از جنس مطالعات علوم سیاسی. چرا که این معنای از سیاست به مطالعات عمومی که در درون خود از متغیرهای جامعه‌شناختی بسیاری استفاده می‌کرد و در نتیجه با ساختارهای اجتماعی و ساحت‌های مختلف فرهنگی ارتباط داشت، سر و کار بیشتری داشت (قلی پور و غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۹: ۱۲). در نتیجه ماکس وبر، جامعه‌شناس معروف نیز از این جهت، مبحث جدید «سیاست‌گذاری عمومی» را مورد توجه قرار داد و از منظر جامعه‌شناختی به تعریف و تبیین ابعاد مختلف آن پرداخت و تلاش کرد تا زمینه را برای ورود رشته‌هایی همچون اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ، فلسفه و قوم‌شناسی، برای شناخت و بهبود سیاست‌ها و در نتیجه فرایندهای سیاست‌گذاری فراهم سازد (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۳ و ۱۴).

طبیعتاً فرایند سیاست‌گذاری با دغدغه‌های مزبور، مستلزم انجام پژوهش‌هایی بود که بتواند وجه اعتبار سیاست‌های مذکور را تأمین کند و عقلانیت را به طور کامل در آن اشراب نماید. این گونه تحقیقات تا قبل از این سابقه نداشت و روش تحقیق در آنها نیز متمایز با روش تحقیق در تحقیقات نظری بود. چرا که این دسته از تحقیقات ناظر به مقام عمل و ایجاد تغییر در جامعه بودند و در پی عقلانی و معتبر کردن تصمیمات حاکمان بودند. از این جهت به این گونه پژوهش‌ها عنوان «سیاست پژوهی»^۱ اطلاق شد و ساختارهای جدیدی تحت عنوان کانون‌های تفکر^۲ یا اندیشکده‌ها که متفاوت از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها بودند، برای پی‌گیری نظام‌مندتر آنها ایجاد شد (ادیانی، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۱). بدین ترتیب، سیاست‌پژوهی به نوعی از پژوهش اطلاق شد که بر مسائل انضمامی جامعه تمرکز داشت و هدف از آن دستیابی به راه‌حل‌های علمی و منطقی برای مواجهه سیاست‌گذاران و حاکمان با آن مسائل به منظور کاهش معضلات عمومی بود (ر.ک:

1. Policy Research
2. Think Tank

قلی‌پور و غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۹: ۹۱ و ۹۲)؛ به عبارت دیگر سیاست پژوهی، فرایند انجام تحقیق در باب مسئله یا تحلیل مسئله اجتماعی مهمی به منظور ارائه توصیه‌های عملی یا معطوف به عمل به سیاست‌گذاران برای حل آن بود (Majchrzak, 2005:15). به همین دلیل سیاست‌پژوهی مهم‌ترین گام برای عقلانی، منطقی و علمی کردن تصمیمات حاکمان قلمداد شد.

این نوع از تحقیق در راستای سیاست‌گذاری عمومی با رویکردهای مختلفی دنبال می‌شد که رویکردهای بازده نهادی، سیستمی، رضایت‌بخش، گفتمان، تعادل و تعامل بین گروهی و نهایتاً رویکرد عقلانی برای حداکثرسازی دستاوردهای اجتماعی از آن جمله هستند (ر.ک: الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۳-۱۷). در بین این رویکردها، «رویکرد عقلانی» تلاش می‌کرد با هدف قرار دادن کلیت جامعه و با اتخاذ روش‌ها و قواعد عقلانی، سیاست‌هایی را طراحی کند که منافع جامعه را به صورت حداکثری تأمین کرده و هزینه‌های آن را به حداقل ممکن کاهش دهد (همان: ۲۸). ملاک عقلانی بودن در این رویکرد که نشئت گرفته از عقلانیت مدرن است، یا منطبق بر معیارهای مربوط به معادله هزینه-فایده^۱ است، یا بر اساس معیارهای مربوط به معادله هزینه-اثربخشی^۲ عمل می‌نماید. هزینه و فایده یا هزینه و اثربخشی‌ای نیز که مدنظر بود، به معنای حداکثرسازی سود^۳ (Dunn, 2012) و آن هم صرفاً سود مادی قلمداد می‌شد. از این جهت، به دلیل اینکه سیاست‌گذاری -و در نتیجه سیاست‌پژوهی- کاملاً ماهیتی هنجاری دارد، اگر این رویکرد در سیاست‌گذاری‌ها و در نتیجه سیاست‌پژوهی‌های ایران اسلامی بخواهد مورد استفاده قرار گیرد، باید به گونه‌ای باشد که با مبانی دینی جمهوری اسلامی ایران سازگار باشد، زیرا عقلانیت مطرح در گفتمان فکری انقلاب اسلامی ایران، با عقلانیت مدرن که برخاسته از اتفاقات بعد از رنسانس است، تفاوت ماهوی دارد. از این جهت اگر سیاست پژوهی و در نتیجه سیاست‌گذاری منتج از آن، بخواهد از این رویکرد استفاده کند باید عقلانیتی را محل توجه قرار دهد که کاملاً مبتنی بر مبانی و ارزش‌های اسلامی و همسو با مقاصد کلی دین و شریعت باشد و در نتیجه صرفاً سود مادی را در معادله هزینه-فایده یا هزینه-اثربخشی مدنظر قرار ندهد. این عقلانیت که می‌توان آن را «عقلانیت دینی»

1. Cost-Benefit Analysis
2. Cost-Effectiveness Analysis
3. Profit Maximization

نامید، نه تنها با آموزه‌های دین هیچ‌گونه منافاتی ندارد، بلکه در هماهنگی کامل با آن است و نتایج آن با نتایج برخاسته از وحی کاملاً همسویی دارد. به همین دلیل عقلانیتی که مد نظر این نوع سیاست‌پژوهی است، عقلانیتی است که با به کار بردن همه توان‌ها و ظرفیت‌های خود همچون تدبیر، تفکر، تحلیل، پردازش اطلاعات و... می‌کوشد هم در جهت تامین رفاه و کارآمدی دنیوی عمل کند و هم سعادت و رستگاری اخروی جامعه را تامین نماید (قریب، ۱۳۹۰: ۷۷). این تلقی از عقلانیت وجه تمایز سیاست‌گذاری عمومی با رویکرد عقلانیت دینی با سیاست‌گذاری عمومی با رویکرد عقلانی رایج در بین اندیشمندان غربی از جمله مدل وبری است که با حالت آرمانی پیش‌گفته فاصله زیادی داشته و بلکه با آن متضاد است (ر.ک: فروزنده و رحیمی، ۱۳۹۰).^۱

سؤال اصلی که در این میان پیش می‌آید این است که اگر در سیاست‌پژوهی‌ای که با رویکرد عقلانیت دینی انجام می‌شود، تلائم و همسویی بلکه اتکاء به مبانی دینی وجود دارد، این اتکاء و همسویی در چه فرایندی رخ می‌دهد؟ زیرا در هر پارادایم علمی، مبانی به مثابه زیرساخت‌های معرفتی هستند و به منزله سرمنشأ همه تولیدات علمی بعدی عمل می‌کنند^۲ و از این جهت اگر بخواهیم سیاست‌پژوهی ما بر اساس رویکرد عقلانیت دینی باشد، باید نشان دهیم فرایند تأثیرگذاری مبانی در سیاست‌پژوهی چگونه است و محقق در چه مراحل از سیاست‌پژوهی باید به این مبانی توجه داشته باشد. تجربه نویسندگان بعد از یک دهه ارتباط با اندیشکده‌های مختلف کشور نشان می‌دهد که عدم توجه کافی به این نکته، نقطه‌ضعف بسیاری از اندیشکده‌ها و هیاتهای اندیشه‌ورز کشور است که در ساحت سیاست‌پژوهی تلاش می‌کنند. زیرا در بسیاری از پژوهش‌های این مراکز مشاهده می‌شود که ملاک‌های کشف مسئله، طراحی چارچوب‌های مفهومی تحلیل مسئله و خطوط کلی طراحی راه‌حل‌ها ریشه در مبانی دینی ندارد و محقق این ارتباط را فراهم نکرده است. در این مقاله تلاش می‌کنیم این مشکل را محل توجه قرار

۱. دقت شود که موضوع مقاله در مورد سیاست‌پژوهی است، اما از آنجا که سیاست‌پژوهی مقدمه سیاست‌گذاری و خروجی آن پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاران است، در مقاله بعضاً به این رابطه توجه شده و در نتیجه به احکام و روابطی که در سیاست‌گذاری حاکم است ولی در سیاست‌پژوهی نیز دارای تأثیر است، اشاره شده است.
 ۲. مبانی با منابع متفاوت‌اند، زیرا منابع ریشه و منشأ فهم مبانی می‌باشند و مبانی متخذ از آنها می‌باشند، همان‌طور که مبانی ریشه و منشأ نظریات و پژوهش‌های بعدی می‌باشند و نظریات مبتنی بر مبانی شکل می‌گیرند. منابع فهم دین که اکنون در اختیار ما هستند عبارت از عقل و نقل هستند. در نتیجه مبانی متخذ از آنها که عبارتند از مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، ارزش‌شناختی، انسان‌شناختی، جهان‌شناختی، علم‌شناختی و ... نیز باید ریشه در آنها داشته باشند.

داده و به بررسی و ترسیم جایگاه و فرایند تأثیر مبانی دینی - که برخاسته از نقل و عقل هستند - در مراحل مختلف سیاست‌پژوهی و تعیین سیاست‌های پیشنهادی به سیاست‌گذاران بپردازیم.

به لحاظ پیشینه نیز محقق با بررسی و تفحص در بین آثار اندیشمندان اسلامی به پژوهشی که این مسئله را به طور خاص مورد توجه خود قرار داده باشد، برخورد کرده است، هرچند مقاله‌ها و کتاب‌های متنوعی وجود دارند که به موضوع سیاست‌پژوهی و مراحل مختلف آن پرداخته‌اند.

روش انجام پژوهش حاضر روش تحلیلی و تبیینی است. چرا که در وهله اول به تحلیل مراحل مختلف سیاست‌پژوهی و نیازمندی‌های نظری آنها از یک سو و تحلیل مبانی و جایگاه معرفتی آنها در تحقیقات علمی از سوی دیگر می‌پردازد و سپس با رویکردی تبیینی و علت‌یابانه در مقام فهم رابطه علی و معلولی تأثیرات مبانی بر مراحل مختلف سیاست‌پژوهی است. از این جهت، در ادامه مبتنی بر همین روش، ابتدا به طور مختصر به ارائه تعریفی از سیاست، سیاست‌پژوهی و مراحل مختلف آن پرداخته و سپس به تبیین جایگاه و نحوه تأثیر مبانی دینی در شکل‌دهی به سیاست‌ها اشاره می‌کنیم.

۲- بررسی مفهومی سیاست

برای نشان دادن مراحل مختلف سیاست‌پژوهی و در نتیجه نشان دادن نحوه تأثیر مبانی در آنها، ابتدا باید تلقی خود از سیاست را معین نمائیم.

۲-۱- تعریف سیاست

«سیاست» و «خط‌مشی» هر دو به یک معنا بوده و معادل فارسی policy هستند^۱. از آنجا که سیاست در دانش جدید سیاست‌گذاری عمومی در معنای خاصی به کار رفته است، در معنای سیاست باید به عرف این دانش مراجعه کرد، در این دانش نیز تعاریف مختلفی برای آن ذکر شده است. لاسول سیاست را برنامه پیشنهادی درباره حصول هدف‌ها و ارزش‌ها و عملکرد می‌داند (Lasswell, 1970:71). برخی نیز گفته‌اند، سیاست بیان اقدامات و تعهدات دولت نسبت به حوزه‌ای از فعالیت است، از این جهت بیشتر آینده‌نگرانه عمل می‌کند تا گذشته‌نگر (کولیج، ۱۳۹۳: ۱۰)، یا گفته شده؛ سیاست اظهار

۱. در مقابل، politics صرفاً ناظر به فضای سیاسی و تنازعات گروه‌ها و احزاب بر رسیدن به قدرت به کار می‌رود. (ر.ک: کولیج، ۱۳۹۳، ص ۱۱۳ و ۱۱۴).

نظر در مورد ارزش‌ها و آرمان‌های حکومت به طور کلی است. در مورد سازمان‌ها هم همین‌طور، یعنی ارزش‌ها و آرمان‌های یک سازمان نیز می‌تواند سیاست باشد (همان: ۲۷). گاهی نیز سیاست ناظر به فرایند است و در تعریف آن اینگونه می‌گویند که سیاست فرایند مورد تأیید حکومت در انجام یک عمل است (همان: ۱۲)، گاهی نیز سیاست ناظر به نتیجه و برون‌داد است (همان). علاوه بر این، به عملکرد حکومت یا سازمان در برابر یک مسئله نیز سیاست گفته می‌شود (همان). در تعریفی دیگر هر نوع طرح و برنامه و راهکار اتخاذ شده به وسیله یک حکومت، حزب سیاسی، سازمان تجاری یا تولیدی و از این قبیل که به نحوی در تصمیم‌سازی و اجرای آن تأثیر دارد، سیاست یا خط‌مشی گفته می‌شود (کازمی، ۱۳۷۹: ۱۶). به عنوان مثال هنگامی که یک دولت از سیاست انرژی سخن می‌گوید، مقصود وی، سلسله اقدامات و تصمیماتی است که مثلاً برای صرفه‌جویی و جلوگیری از زیاده‌روی در مصرف انرژی اتخاذ می‌گردد (همان). بر این اساس، سیاست در واقع عبارت از یک الگوی رفتاری مداوم و تکرار‌شونده برای حل یک مسئله عمومی است که به وسیله سیاست‌گذار و آنها که از او تبعیت می‌کنند، به مرحله عمل در می‌آید (همان: ۱۷). در حقیقت، معانی قبلی سیاست مقدمه‌آخری هستند و اهمیتشان در این است که شیوه عمل را شکل می‌دهند (کولبیج، ۱۳۹۳: ۲۷)؛ بنابراین می‌توان گفت: «سیاست» فرایند تصمیم‌سازی و نهایتاً تصمیمی است که در قبال یک مسئله و مشکل عمومی انجام و اتخاذ می‌شود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۳). البته برخی سیاست را با استراتژی یا راهبرد یکسان می‌گیرند در صورتی که این‌طور نیست، زیرا استراتژی یا راهبرد مزیت انحصاری سازمان‌ها، نهادها یا کشورها از سایر رقبا است (استیسی، ۱۳۸۲: ۶) و از این جهت فعالیت و برنامه عملیاتی کلانی است که باعث قوی شدن مجموعه و پیشی گرفتن از رقبا می‌شود در نتیجه کاملاً ناظر به جبهه مخالف و نقاط قوت داخلی است. در صورتی که سیاست ناظر به حل مسائل انضمامی پیش رو است.

۲-۲- ویژگی‌های سیاست

لاسول معتقد است؛ سیاست سه خصوصیت اصلی دارد. اول: مسئله محور است که از این جهت تحقیقات سیاست‌پژوهانه باید در پی حل مسئله باشند^۱. دوم: چند رشته‌ای یا میان‌رشته‌ای^۲ بودن که مراد از آن چند سویه یا چندضلعی بودن مسئله است که در

1. problem solving
2. multi-disciplinary

نتیجه هر سویه یا هر ضلع آن مربوط به یک ساحت علمی است، و سوم: هنجاری و ارزشی^۱ بودن (Howlett & Ramesh, 1995:10). بر این اساس، سیاست باید دارای انسجام درونی باشد و اضلاع مختلف آن با هم تناسب و سازگاری داشته باشند (ر.ک: کولبیچ، ۱۳۹۳:۱۳)، خصوصاً وقتی که علاوه بر ماهیت چند رشته‌ای داشتن مسئله مورد بحث، ذی‌نفعان متعددی نیز مطرح باشند.

علاوه بر این، سیاست هدف‌دار است؛ زیرا در مقام حل یک مسئله برای دست‌یابی به هدف‌های خاص - یا حالت مطلوب در آن مسئله - است (همان: ۱۴ و ۶۹). از این جهت به طور مبنایی می‌توان گفت که پایه هر سیاستی، هدف‌هایی است که برای آن تعیین می‌شوند (Friedrich, 1963:70)؛ بنابراین، نکته مهم این است که این هدف‌ها چگونه تعیین می‌شوند؛ زیرا درست است که سیاست ناظر به مسئله است، ولی هدف آن ایجاد تغییر در مسئله مورد بحث است به گونه‌ای که در وضع فعلی آن تغییراتی صورت گیرد و آن را به حالت مطلوب برساند. بنابراین سؤال اصلی این خواهد بود که حالت مطلوب چیست؟ و از این جهت است که توجه به «هدف» یا «اهداف» در سیاست‌پژوهی مطرح می‌شوند. البته اهداف مطلوب در هر کشوری بسته به مبانی بنیادین و هنجارها و ارزش‌های آن جامعه متفاوت خواهند بود و عموماً این اهداف توسط حاکمیت‌ها معلوم می‌شوند (کولبیچ، ۱۳۹۳: ۱۵)، به همین دلیل، گفته می‌شود سیاست‌پژوهی و در نتیجه سیاست‌گذاری هرگز یک فرایند خنثی نیست (همان: ۳۲) بلکه هنجاری بوده و برای رسیدن به اهدافی تنظیم می‌شود.

ویژگی دیگر سیاست، مشروعیت داشتن آن است. بر این اساس سیاست‌گذاری توسط افراد یا مجموعه‌هایی انجام می‌شود که در حکومت صاحب قدرت و مشروعیت هستند و نتایج سیاست‌پژوهی نیز باید در اختیار این افراد قرار گیرد. به همین دلیل است که مشروعیت سیاست از مرجع قانونی باید سرچشمه گیرد (همان: ۱۸). البته مقامات مشروعیت‌بخش ممکن است در سیاست‌پژوهی نقشی نداشته باشند، ولی سیاست بر اساس قدرت قانونی آنان مشروعیت می‌یابد و لازم‌الاجرا می‌شود (همان). البته مقبولیت سیاست برای ذی‌نفعان نیز امری بسیار مهم و قابل توجه است، زیرا در غیر این صورت توسط آنها اجرا نمی‌شود؛ بنابراین در فرایند سیاست‌پژوهی و قبل از تصمیم‌نهایی باید

ذی‌نفعان را درگیر سیاست‌پژوهی کرد و عملاً نوعی اجماع نسبی بین آنها ایجاد نمود. در این صورت است که مقبولیت نسبی سیاست فراهم می‌شود. مهمترین تفاوت روش تحقیق در تحقیقات نظری و سیاست‌پژوهی نیز به همین نکته بر می‌گردد به گونه‌ای که در فرایند سیاست‌پژوهی حتماً باید از صاحب‌نظران، کارگزاران و ذی‌نفعان استفاده کرد و آنها را نیز مداخله داد و تنها در این صورت است که سیاست علاوه بر دقیق شدن، دارای مقبولیت و ضمانت اجرای بیشتری می‌شود.

ویژگی دیگر سیاست علمی بودن و از جهت نظریات توجیه‌پذیر بودن آن است؛ زیرا درست است که وجه قانونی سیاست‌ها به عهده جمعی قرار داده می‌شود که سیاست‌گذار نامیده می‌شوند، ولی مهم این است که این جمع چگونه به تصمیم می‌رسند و تصمیمشان چه میزان صحیح است (همان: ۳۱). اینجاست که ورود مبانی و نظریات علمی و نحوه تأثیرگذاری و دخالتشان در فرایند سیاست‌پژوهی مطرح می‌شود و گفته می‌شود که سیاست حل علمی و ماهرانه مسئله است (همان: ۱۸).

ویژگی دیگر سیاست، تناسب آن با اقتضائات واقعی میدان است؛ زیرا سیاست آرزو و آرمان نیست، بلکه تأثیر بر عمل و شرایط خارجی مسئله مورد بحث است (همان: ۱۹). لذا توجه به اقتضائات واقعی و عینی مسئله مورد بحث شرط اصلی تأثیر سیاست است.

۳- مراحل سیاست پژوهی

در رویکرد عقلانی مراحل مختلفی برای سیاست‌گذاری برشمرده‌اند. با توجه به اینکه وجه عقلانیت هرچند ناظر به حداکثری بودن منافع و حداقل بودن هزینه‌های آن برای جامعه است (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸)، اصلی‌ترین فنون در سیاست پژوهی، فن تحلیل هزینه - فایده و نسبت سنجی منافع و هزینه‌هاست، به گونه‌ای که سیاست بهینه‌ترین تصمیم در این معادله است (قریب، ۱۳۹۰: ۵۵)، اما باید دقت داشت که در سیاست‌پژوهی با رویکرد عقلانیت دینی، مراد از منافع و هزینه‌ها، صرفاً منافع مالی و اقتصادی نیست، بلکه ارزش‌های دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز مورد توجه جدی است (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۸).

گام اول و دوم سیاست‌گذاری و در نتیجه سیاست‌پژوهی، تشخیص و تعریف مسئله (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۰۰)، گام سوم دستیابی به راه‌حل (همان: ۱۰۳ و ۱۰۴)، گام چهارم تبدیل راه‌حل به توصیه‌های عملیاتی به عنوان سیاست مورد نظر (همان: ۱۰۵)، گام پنجم

تبدیل سیاست طراحی شده در قالب بسته‌های سیاستی و گام ششم نظارت و بازخورد سنجی سیاست است (همان) که در ادامه به توضیح مختصر هر یک می‌پردازیم تا پس از آن نشان دهیم، مبانی دینی که زیرساخت سیاست‌پژوهی با رویکرد عقلانیت دینی است، در آنها چگونه باید تاثیر گذاری داشته باشد.

۳-۱- مسئله‌یابی

«مسئله»^۱ اختلاف بین وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب است (استیفندی، ۱۳۸۶: ۱۲۹)، یا آن چیزی است که از توان مجموعه برای رسیدن به هدف می‌کاهد، بنابراین به وضعیتی اشاره دارد که مجموعه را از کسب اهدافش باز می‌دارد (رضائیان، ۱۳۸۱: ص ۱۴۸)، لذا مانعی است که بر سر راه رسیدن به اهداف قرار می‌گیرد (الوانی و شریفزاده، ۱۳۸۷: ۶۶). البته به غیر از این گونه از مسائل که به مثابه چالش، آسیب یا بحران هستند^۲، جنس دیگری از مسائل نیز مطرح هستند که چالش نیستند ولی شرط لازم برای رسیدن به هدف‌های کلان کشور می‌باشند و از این رو در زمان خود باید مورد توجه قرار گیرند.

برای کشف مسائل و اولویت‌بندی آنها منابعی وجود دارند که سیاست‌پژوه باید با استفاده از ابزارهایی آنها را کشف نماید.

منبع اول مردم هستند؛ زیرا که در درگیری‌های روزانه دریافتی از نیازها و مشکلات کشور دارند، هر چند نتوانند به صورت دقیق و علمی آن را تبیین کنند و مهم اینکه به هر حال ذی‌نفع نهایی خود مردم هستند.

منبع دوم رسانه‌ها هستند؛ زیرا عملکرد اصلی رسانه‌ها، جهت‌دهی به افکار عمومی از یک سو و نشان دادن مسئله‌ها و معضلات جامعه از سوی دیگر است. هر چند همه رسانه‌ها صادقانه عمل نمی‌کنند ولی با روش‌های صحت‌سنجی می‌توان از این منبع نیز در تشخیص مسائل کمک گرفت.

منبع سوم کارگزاران حکومتی هستند؛ زیرا این طبقه از جامعه به دلیل موقعیت‌های شغلی‌شان، تماس بیشتری با مسائل جامعه داشته‌اند و درک واقع‌بینانه و ملموس‌تری از معضلات کشور در حیطه کاری خود دارند. هر چند معمولاً وابستگی‌ها و گرایش‌های سیاسی این افراد تأثیر زیادی در زاویه دیدشان به مسائل دارد که همین امر موجب

1. problem

2. problem

می‌شود بعضاً دریافته‌شان از حقیقت فاصله داشته باشد. برای رفع این نقیصه باید از افراد مختلف با سلاقی و گرایش‌های سیاسی مختلف استفاده کرد تا از تقاطع اندیشه‌ها و برداشت‌های آنها به مسئله واقعی دسترسی پیدا کرد.

منبع چهارم جامعه علمی است؛ زیرا صاحب‌نظران علمی به دلیل اینکه به مبانی تئوریک مسلط هستند، تحلیل و برداشتشان از مسائل، در چارچوب یافته‌های علمی‌شان است. لذا با مراجعه به این افراد می‌توان، از زاویه دید عمیق‌تری با مسائل جامعه مواجه شد. خصوصاً اینکه سیاست‌پژوه با ارائه نتایج به دست آمده از منابع قبلی به اساتید مزبور می‌تواند تحلیل عالمانه‌تر و در نتیجه دقیق‌تری نسبت به مسائل بیابد. علاوه بر این، صاحب‌نظران علمی می‌توانند با تحلیل‌های آینده‌پژوهانه نسبت به تشخیص مسائل بالقوه جامعه نیز اظهار نظر کنند.

منبع پنجم اندیشکده‌ها و دیگر افراد سیاست‌پژوه هستند؛ زیرا اندیشکده‌های دیگر نیز با کاربست الگوهای علمی درصدد کشف مسائل بوده‌اند، پس دریافت‌های آنها در کنار مراحل قبل می‌تواند به دستیابی به مسائل کمک نماید.

منبع ششم اسناد بالادستی هستند؛ زیرا به این دلیل که اسناد بالادستی معمولاً بعد از آسیب‌شناسی و مسئله‌یابی تدوین و تصویب شده‌اند، می‌توانند به سیاست‌پژوه کمک شایانی در تشخیص مسائل امروز کشور داشته باشند.

منبع هفتم نیز رهبران حکومت می‌باشند؛ زیرا رهبران با نگاه کلان‌نگر و مبنایی‌تری که نسبت به ساحت‌های مختلف کشور دارند، از زاویه دیگری به مسائل کشور می‌نگرند که بسیار مهم بوده و تکمیل‌کننده نتایج به دست آمده از منابع قبلی است. خصوصاً اینکه رهبران به دلیل در اختیار داشتن همه اطلاعات اشراف خوبی نسبت به وضعیت کشور دارند. این منبع مهم در جمهوری اسلامی ایران که رهبران آن ولی فقیه هستند از اهمیت مضاعفی برخوردار است. زیرا ولی فقیه با اتکاء به دستگاه معرفتی دینی و فقهی به شناسایی، تبیین و تحلیل مسائل می‌پردازد و از این جهت رویکرد او کاملاً با رویکرد عقلانیت دینی تطابق دارد و مسئله‌شناسی او کاملاً بر اساس این رویکرد است.

با استفاده از ابزارهایی همچون پیمایش‌های میدانی، تشکیل گروه‌های متمرکز^۱، تحلیل داده‌های بزرگ^۲ فضای مجازی، جلسات بارش فکری، مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته، مطالعات اسنادی، مطالعه کتابخانه‌ای، تحلیل محتوا، فراتحلیل و ... می‌توان از منابع هفت‌گانه مزبور مسائل را کشف و احصاء نمود. البته استفاده از هر منبع تابع قواعدی است و در آنها کژکاردهایی نیز وجود دارد که هرچند در این مقاله فرصت بررسی آنها نیست ولی در شناخت و تحلیل مسائل از آن منبع به آنها باید به خوبی توجه داشت، زیرا در غیر این صورت شناخت و تحلیل مسائل واقعی نبوده و دچار انحراف خواهند شد.

۳-۲- تعریف مسئله

بعد از تشخیص مسئله باید آن را شناخت و تعریف صحیحی از آن ارائه کرد (رضائیان، ۱۳۸۱: ۱۳۴) و بدین طریق وجه مسئله‌گی آن را دقیقاً معین نمود. زیرا؛ غالباً مسائلی که برای مدیران مطرح‌اند خود معلول مسائل بنیادی‌تری هستند که ممکن است عدم توجه به آنها راهکارهای انتخاب شده برای حل مسئله را عقیم بگذارد؛ بنابراین ریشه‌یابی مسئله با کوشش برای یافتن مسئله اصلی به جای بر خورد مقطعی با عوارض آن عمده‌ترین وظیفه سیاست‌پژوه است (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۰۲). اگر مرحله مسئله‌یابی را مرحله احساس و مرحله تعریف را مرحله ادراک مسئله قلمداد کنیم، در مرحله احساس، سیاست‌گذاران عارضه‌ها و رویه‌های بیرونی مسئله را درمی‌یابند، ولی در مرحله ادراک به ریشه‌یابی آن اقدام می‌کنند. بنابراین اقتضای عقلانی بودن سیاست‌پژوهی، تجزیه و تحلیل مسئله و یافتن ریشه‌های آن در گام اول است. تنها در این صورت است که سیاست اتخاذ شده به حل مسئله به طور ریشه‌ای منجر و عوارض آن نیز کاملاً مرتفع خواهد شد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۲). در این مرحله به جهت اینکه ریشه‌های ایجاد مسئله مورد جستجو قرار می‌گیرند، باید عناصر دخیل در آن به خوبی تشخیص داده شوند. صورت ترکیب مفهومی این عناصر، «چارچوب مفهومی» مسئله را شکل می‌دهند که شناخت و تحلیل مسئله بستگی صد در صدی به آن دارد. علاوه بر این، برای رسیدن به تعریف مسئله بررسی پیشینه علمی، اجرایی و سیاستی ناظر به مسئله نیز ضروری است. نتیجه این اقدامات دریافت وجه مسئله‌گی مسئله و در نهایت تعریف دقیق آن است.

۳-۳-۳- ارائه راه حل

بعد از دریافت دقیق وجه مسئله و علت‌های پدیدآوردن آن، نوبت به طراحی راه حل برای آن می‌رسد. در این مرحله علمیت و خلاقیت سیاست‌پژوه تأثیر بسیاری در دستیابی به راه حل مناسب دارد. ولی محقق قبل از طراحی راه حل اولیه باید اقدامات زیر را انجام دهد:

۱- در خصوص راه‌حل‌های احتمالی که قبلاً در مورد مسئله ارائه شده، بررسی‌های لازم را انجام دهد و حتی با صاحبان آن ایده‌ها مصاحبه‌های عمیق انجام دهد و تلاش کند نقدهای خود به راه‌حل‌های مختلف را معین نماید تا نقاط قوت و ضعف راه‌کارهای دیگران نیز به خوبی مشخص شود (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۰۳).

۲- وضعیت جامعه در مسئله مورد بررسی به لحاظ نقاط قوت و ضعف و همچنین فرصت‌ها و تهدیدها، بررسی و تحلیل شود.^۱

۳- با کاربست روش مقایسه‌ای، راه‌حل‌های دیگر کشورها در خصوص مسئله مورد بحث بررسی و تحلیل شود.

سیاست‌پژوه بعد از بررسی موارد فوق با توجه به نظریات موجود و مهم‌تر از همه به کارگیری روش‌های خلاقانه باید ایده اصلی مواجهه با مسئله را طراحی کند. باید توجه داشت، «خلاقیت» به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید، یا ساختن و یافتن ایده‌های جدید و نوآوری در کاربرد فکرها است (رضائیان، ۱۳۷۷: ۳۲). فرد خلاق ضمن بررسی دیدگاه‌های گوناگون مطرح، معتقد است روش‌های جاری انجام کار را می‌توان بهبود بخشید. این فرد سوبه‌هایی را می‌بیند که قبلاً مورد توجه قرار نگرفته‌اند؛ در نتیجه فکرها و ایده‌های جدیدی ارائه می‌دهد که با هزینه اندک بهره‌وری بالا دارند. او تجربه‌های حاصل از منابع گوناگون را به هم ربط می‌دهد و آنها را بر مبنای مزیتشان مورد بررسی قرار می‌دهد و معمولاً چندین بدیل برای هر موضوع معین معلوم می‌کند. وی نسبت به پیش‌فرض‌های قبلی که نزد همه مسلم

۱. الگوی SWOT که از ابتدای چهار کلمه Strength به معنای نقطه قوت، Weakness به معنای نقطه ضعف، Opportunity به معنای فرصت و treat به معنای تهدید گرفته شده است یکی از الگوهای متداول برنامه‌ریزی‌های راهبردی است. نقاط قوت و ضعف ناظر به شرایط درونی کشور یا یک سازمان است و فرصت و تهدید نیز ناظر به شرایط بیرونی کشور یا سازمان مورد نظر است. با شناخت این عوامل می‌توان امکانات و محدودیت‌های کشور یا سازمان مورد نظر به درستی شناسایی شود و در نتیجه به برنامه‌ریزی صحیحی منجر شود (الوانی، ۱۳۹۹: ۶۱). در این مرحله محقق می‌تواند از سایر الگوهای معتبر تحلیل وضعیت نیز استفاده کند.

انگاشته می‌شود، نیز ورود کرده و آنها را بررسی مجدد می‌کند، در نتیجه محدود به رسم و عادت نمی‌شود و از این جهت دارای استقلال فکری است؛ فی‌البداهه هم از نیروهای احساسی و هم از نیروهای بینشی مدد می‌گیرد و نهایتاً در فکر و عمل از انعطاف بالایی برخوردار است (همان: ۳۳). البته خلاقیت معمولاً امری آمیخته از چند عامل متداخل و متعامل است که اولین مرحله آن، مرور و مطالعه ناخودآگاه است که به دشواری می‌توان آن را روشن ساخت. البته این مرور ناخودآگاه با تصمیمات خام و تصمیماتی که هنوز مبادی آن برای فرد مبهم است، تفاوت دارد (کونتر و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۰۴). مرحله دوم کشف ناگهانی و یک حدس صائب است که موارد ناخودآگاه را خودآگاه می‌کند. این موارد معمولاً بعد از تلاش و کار زیاد و درگیری ممتد ذهنی در مورد مسئله محل توجه برای فرد حاصل می‌شود (همان: ۲۰۵) و مرحله آخر صورت‌بندی منطقی یافته‌ها و ابراز به دیگران است (همان: ۲۰۶). البته فنونی مانند باروری اندیشه‌ها یا بارش فکری کمک‌کار بروز خلاقیت‌اند، هرچند مطالعات نشان داده است که گاهی خلاقیت‌های فردی از تفکرهای گروهی کارآمدتر بوده است (همان: ۲۰۷).^۱

نکته آخر در این بخش اینکه سیاست‌پژوه در مقام ارائه راه‌حل، باید احتمالات مختلف را مورد توجه قرار داده و برای هر کدام یک مسیر مشخص تعریف کند و برای هر کدام سناریویی را به تصمیم‌گیر پیشنهاد دهد. به همین دلیل سیاست‌پژوه در این مرحله تنها نباید یک صورت را مدنظر قرار دهد و برای همان نیز اقدام به ارائه راه‌حل کند.

۳-۴- تبدیل راه‌حل به سیاست

وقتی راه‌حل مسئله مشخص شد، این راه‌حل باید به صورت سیاست مشخص که شامل چیستی و مراحل مداخله، مجریان و ذی‌نفعان و شاخصهای ارزیابی آن است، درآید و هیچ ابهامی در این مقام نداشته باشد (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۰۵).

۱. فنون مختلفی برای خلاقیت مطرح شده است که به دلیل اینکه در رسالت این مقاله نیست از پرداخت تفصیلی به آنها پرهیز می‌کنیم. برخی از این فنون عبارت‌اند از: ارتباط اجباری، تجزیه و تحلیل مورفولوژیک، گردش تخیلی، پرسش‌های ایده برانگیز، تفکیک ۵-۳-۶ گروه اسمی، الگو برداری از طبیعت و تفکر موازی (ر.ک: الوانی، ۱۳۹۹: ۲۳۶-۲۴۵).

۳-۵- نظارت و بازخوردسنجی

سیاست بعد از ابلاغ توسط سیاست‌گذار و ورود به مرحله اجرا، باید مورد نظارت و بازخوردسنجی قرار گیرد تا مجدداً نتایج آن به فرایند مزبور عرضه شود تا در ادامه این فرایند مورد استفاده و در نتیجه اصلاح سیستم قرار گیرد (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۰۵).

۴- نحوه تأثیر مبانی دینی در مراحل مختلف سیاست پژوهی

همان‌طور که بیان شد، سیاست اولاً: مسئله محور است، ثانیاً: ماهیتی هنجاری دارد، به این معنا که کاملاً مبتنی بر هنجارها، ارزش‌ها و مبانی مورد قبول جامعه و حاکمیت است. برای نشان دادن تأثیر این مبانی بر بخش‌های مختلف فرایند سیاست‌پژوهی لازم است ابتدا در مورد مبانی و سپس مراحل و پیش‌نیازهای نظری صورت‌بندی و تحلیل درست مسئله صحبت شود.

۴-۱- چیستی مبانی دینی (پارادایمیک)

واژه مبانی، جمع کلمه «مبنا» است و به گزاره‌ها و ایده‌های بنیادینی اطلاق می‌شود که منشأ و مولد بقیه گزاره‌ها هستند. این گزاره‌ها از جنس هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی کلان، ارزش‌شناسی، خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علم‌شناسی، دین‌شناسی و تاریخ‌شناسی هستند که زیرساخت‌های اصلی هر نوع معرفتی را شکل می‌دهند. همه این مبانی ذیل یک چتر واحد و حول یک محور واحدی تعیین می‌یابند که به آن «پارادایم» گویند. به عنوان مثال در اسلام همه مبانی مزبور ذیل چتر توحید و با محوریت این مفهوم اصلی شکل می‌گیرند. لذا پارادایم‌ها که شامل ایده‌محوری و مبانی مزبور هستند یک چارچوب نظری بنیادینی را شکل می‌دهند که مفروضات بنیادین و مفاهیم زیرساختی علم و تفکر هستند^۱.

طبیعتاً در هر مکتب فکری، ایده محوری پارادایم و مبانی برآمده از آن، از منابع آن مکتب استخراج می‌شوند؛ بنابراین در اسلام که منابع اصلی فهم دین عبارت از قرآن کریم، سنت شریف و عقل ناب هستند، ایده محوری پارادایم و سپس، مبانی مزبور باید از این منابع استخراج گردند. در بین اندیشمندان اسلامی تحقیقات زیادی در خصوص

۱. (ر.ک: Guba, & Lincoln, Competing paradigms in qualitative research:).

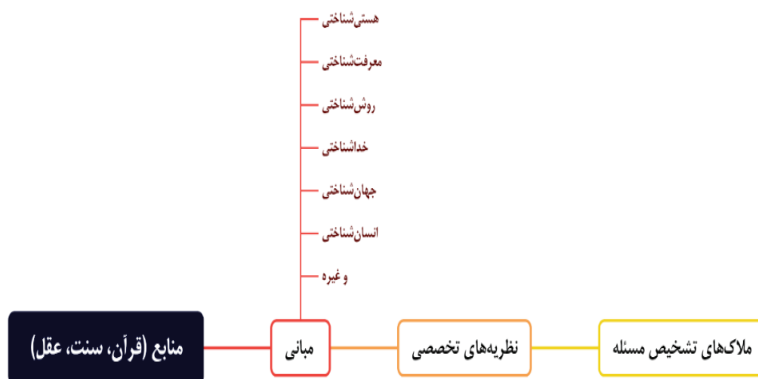
۲. بحث از چیستی پارادایم و رابطه آن با مبانی، بحث دامنه‌داری است که به جهت رعایت اختصار به مقاله دیگری موکول می‌شود.

پارادایم اسلامی و هر یک از مبانی مزبور انجام شده که از این جهت، با ارجاع خواننده محترم به آن مکتوبات، در این مقاله صرفاً به فرایند تأثیرگذاری آنها بر مراحل مختلف سیاست پژوهی پرداخته می‌شود. در ادامه تلاش می‌کنیم نحوه تأثیر این مبانی در مراحل مختلف سیاست پژوهی را نشان دهیم.

۴-۲ - تأثیر مبانی در دست‌یابی به ملاک‌هایی برای تشخیص مسئله

همان‌طور که بیان شد، سیاست پژوهی در مورد یک مسئله رخ می‌دهد و اساساً سیاست پژوهی مسئله محور است. قبل از این نیز مراحل مختلف سیاست پژوهی توضیح داده شد که مرحله اول؛ مسئله‌یابی است. در این مرحله نکته مهم، در اختیار داشتن ملاک‌هایی است که باید در دست سیاست‌پژوه باشد تا با توجه به آنها بتواند مسائل را تشخیص داده و سپس بین آنها اولویت‌بندی کند. تأثیر مبانی در این مرحله به این صورت است که ملاک‌های مزبور باید کاملاً برخاسته از مبانی دینی (نقلی و عقلی) باشند، والا تشخیص مسئله کاملاً غیردینی و در نتیجه سکولار شکل خواهد گرفت. اساساً وجه هنجاری بودن سیاست و سیاست پژوهی از همین جا خود را نشان می‌دهد.

علاوه بر این، هر ملاک و معیاری منبعث از یک نظریه است، نظریه نیز ریشه در مبانی دارد و از این جهت، یک محل دیگر در تأثیر مبانی دینی و عقلی مقام تولید نظریه‌هایی است که پایه تولید سیاست در ساحت آنها هستند. به عنوان مثال ملاک‌های تشخیص مسائل مربوط به حوزه خانواده کاملاً برخاسته از «نظریه خانواده» مختار است که وقتی این نظریه بر اساس مبانی اسلامی شکل گیرد، می‌توان نظریه را «نظریه خانواده در اسلام» نامید و ملاک‌های منبعث از آن را کاملاً دینی به حساب آورد. در شکل زیر نسبت بین ملاک‌های تشخیص مسئله، نظریه و مبانی نشان داده شده است.



شکل شماره ۱: نسبت بین ملاک‌های تشخیص مسئله، نظریه و مبانی

۶۵

به عنوان مثال «سقط جنین» بر اساس نظریه خانواده در اسلام، یک مسئله و چالش است در صورتی که بر اساس برخی از نظریات غربی این امر جزء حقوق مادر بوده و یک چالش قلمداد نمی‌شود. در مثال دیگر، عدم امکان حضور طبقات مختلف جامعه خصوصاً طبقات ضعیفتر در پارلمان بر اساس نظریه عدالت اجتماعی اسلام یک مسئله و چالش است که باید برای آن تدبیر کرد ولی بر اساس برخی نظریه‌های سیاسی غربی این امر هرگز یک مسئله قلمداد نمی‌شود بلکه وجود چنین امکانی مسئله و چالش است.

۳-۴- تأثیر مبانی در پیش‌نیازهای نظری چارچوب مفهومی تحلیل و تعریف مسئله

مرحله دوم سیاست‌پژوهی، تعریف و تحلیل مسئله است. تعریف مسئله موکول به در اختیار داشتن چارچوب مفهومی تعیین‌کننده حاکم بر مسئله است؛ زیرا چارچوب مفهومی نوعی از سازمان‌دهی عناصر دخیل در مسئله است که به آن شکل و انسجام می‌بخشد (پارسونز، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۱). به همین دلیل در چارچوب مفهومی همه مفاهیمی که در شکل‌دهی به رفتار مسئله دخالت دارند باید استقراء شوند و به صورت منطقی صورت‌بندی گردند. این صورت‌بندی همان بستری است که رفتار مسئله مورد بحث در قالب آن صورت می‌گیرد. چرا که، رفتار واقعی مسئله مورد بحث تابعی از عناصری است که هویت آن مسئله را مشخص می‌کنند و در یک هندسه مفهومی صورت‌بندی شده‌اند. چارچوب حاکم بر مفاهیم و عناصر مزبور، از یک طرف بر اساس نوع تعامل و اثرگذاری آنها بر هم و از سوی دیگر بر اساس نوع اثرگذاریشان بر مسئله مورد بحث است. در حقیقت چارچوب مفهومی، سازه مفهومی مماس با مسئله است که کاملاً مبتنی بر نظریه‌ی علمی

مربوط به مسئله و نظام هویت‌بخش به آن است (ر.ک: ایمان، ۱۳۹۴: ۲۱). به عنوان مثال اگر مسئله مورد بحث، بررسی مسئله سقط‌جنین در صورت وجود ضرر برای مادر است، عناصر دخیل در چارچوب مفهومی شکل‌دهنده به این مسئله بر اساس نظریه خانواده در اسلام، عبارت‌اند از: ضرر متوجه مادر، نفس محترمه جنین، ولایت پدر نسبت به جنین و... همان طور که مشاهده می‌شود این مفاهیم کاملاً متأثر از نظریه خانواده هستند که اگر مبتنی بر مبانی دینی و اسلامی طراحی شده باشد، چارچوب مفهومی تحلیل و تعریف مسئله سقط‌جنین نیز اسلامی و دینی خواهد بود و در غیر این صورت غیردینی و سکولار بوده و تصمیم‌گیری سیاست‌گذار را نیز با اخلال مواجه می‌کند.

نکته قابل توجه این است که بین نظریه و چارچوب مفهومی دو سازه معرفتی دیگر به نام «نظام»^۱ و «الگو»^۲ وجود دارد که عناصر دخیلی در چارچوب مفهومی متأثر از آنها نیز هستند. «نظام» خروجی مستقیم نظریه و «الگو» برش زمانی و مکانی آن «نظام» است. توضیح بیشتر اینکه مراد از «نظام»، مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته است که در راه نیل به هدف معینی با یکدیگر هم‌آهنگ و منسجم عمل می‌کنند (چرچمن، ۱۳۶۹: ۲۶). از این جهت نظام مجموعه واحد و منسجمی از عناصر متعدد است که با هم مرتبط‌اند، هدف یا اهداف معینی را دنبال می‌کنند و برای رسیدن به اهداف مزبور بر اساس فرایندهایی که بین آنها حاکم است به صورتی کاملاً هم‌آهنگ و متعامل عمل می‌نمایند (ر.ک: آقابخش، افشاری راد، ۱۳۸۳: ۶۷۱؛ میرمعزی، ۱۴۰۱: ۱۴۴). نکته مهم اینجاست که نظام ماحصل تولید نظریه در حوزه تخصصی مورد بحث است. به عنوان مثال وقتی نظریه خانواده در اسلام مبتنی بر مبانی اسلامی تولید شد، «نظام خانواده در اسلام» تولید شده است، زیرا در نظریه مزبور همه عناصر هویت‌بخش به خانواده و نسبتشان با یکدیگر و با خانواده معین شده است. از این جهت، نتیجه نظریه‌پردازی در یک ساحت از ساحت‌های اجتماعی، دست‌یابی به نظام هویت‌بخش به آن ساحت اجتماعی است. از این جهت، با تولید نظریه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان نظام‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و زیرشاخه‌های آنها را نیز تولید کرد و به آنها دست یافت.

1. system
2. pattern

نحوه تأثیر «نظام» بر چارچوب مفهومی مواجهه با مسئله به این صورت است که در هر نظام مسائلی مطرح است که همه ذیل چتر آن نظام هویت خویش را به دست می‌آورند. به عنوان مثال سقط جنین، طلاق، ازدواج، نفقه، مهریه، حضانت و... همه زیر مجموعه نظام خانواده هستند که در نتیجه عناصر موجود در چارچوب نظری خود را از نظام مزبور اخذ می‌کنند. به عنوان مثال اگر در چارچوب مفهومی مسئله سقط جنین ولایت پدر را باید مدنظر قرار داد به این دلیل است که در نظام خانواده در اسلام - که متخذ از نظریه خانواده در اسلام است- برای ولایت پدر جایگاه ویژه‌ای دیده شده است که در نظام خانواده در غرب چنین جایگاهی دیده نشده است.

نکته دیگر اینکه، «نظام» یک «شمولیت» و در نتیجه «ثبات» و دوامی دارد که قواعد حاکم بر موضوعات ذیلش را تعیین می‌نماید. به عنوان مثال ممکن است نظام خانواده در اسلام قرن‌ها به یک شکل باشد و تغییرات جدی‌ای در آن رخ ندهد. از این جهت برای تحلیل مسئله انضمامی جامعه نیاز به افزودن اقتضات زمانی و مکانی مسئله به نظام هویت‌بخش آن نیز کاملاً محرز است. به عنوان مثال نظام خانواده در اسلام ممکن است قرن‌ها ثابت باشد و از یک قوام مشخصی برخوردار باشد، اما خانواده در جامعه امروزی و در کشور ایران اقتضاتی دارد که با اقتضات خانواده ایرانی در قرن‌های قبل یا با خانواده در همین زمان ولی در کشورهای دیگر مانند کشورهای افریقایی، اروپایی، امریکایی و ... تفاوت دارد. از این جهت، لازم است نظام مزبور با قبول برش مکانی و زمانی به شرایط امروزی تطبیق داده شود. این تطبیق «الگو^۱» نام دارد. از این جهت «الگو» برش زمانی و مکانی «نظام» حاکم بر موضوع است و در قالب مجموعه‌ای از قواعد و دستورالعمل‌های ساخت موضوع مورد بحث بروز می‌کند^۲. لذا این قاعده‌ها و اصول که حاوی ارکان نظام هویت‌بخش به موضوع به اضافه اقتضات مکانی و زمانی آن هستند باید در چارچوب مفهومی حاکم بر موضوع مورد توجه قرار گیرند.

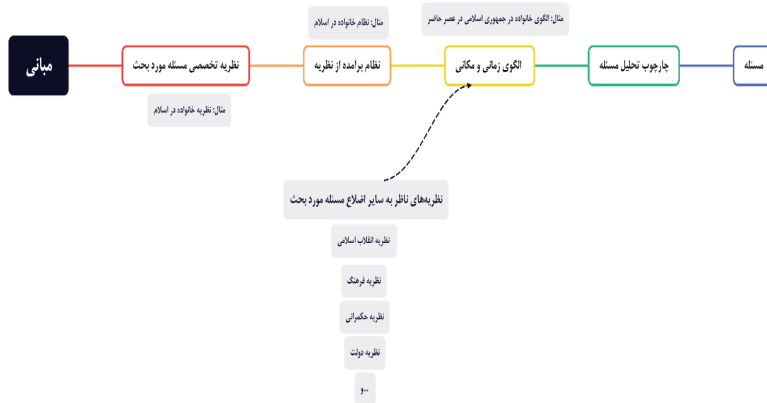
بنابراین چارچوب مفهومی هر مسئله متأثر از «نظام» و «الگو»ی هویت‌بخش به آن است و به همین جهت با موضوعات دیگری که ذیل آن نظام مطرح می‌شوند، ارتباط و انسجام برقرار می‌کند. به عنوان مثال وقتی سیاست‌پژوه چارچوب مفهومی مسئله سقط جنین را بر اساس نظام خانواده در اسلام و الگوی جامعه امروز ایران طراحی می‌کند

1. pattern

2. <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/>

و همین کار را در مورد چارچوب مفهومی مسئله طلاق، ازدواج، ارث یا ... نیز انجام می‌دهد، بین همه آنها انسجام و هماهنگی وجود دارد که در نتیجه آن نه تنها سیاست‌های پیشنهادی نقیض و متضاد هم نیستند؛ بلکه کاملاً هماهنگ و معاضد یکدیگر می‌باشند. نکته قابل توجه دیگر این که؛ وقتی سیاست‌پژوه در مقیاس حکمرانی به تحقیق می‌پردازد و در پی پیشنهاد سیاست‌هایی برای حاکمیت است، در طراحی الگو علاوه بر نظریه تخصصی موضوع مورد بحث - مثلاً نظریه خانواده در اسلام در مسئله سقط جنین - باید به نظریات عام دیگری نیز توجه کند که حکمرانی موضوع مورد بحث به آنها نیز مربوط است؛ زیرا در این مقیاس مسئله مورد بحث به دلیل ماهیت اجتماعی که یافته است، ابعاد دیگری نیز پیدا کرده و از این منظر پدیده‌ای بین‌رشته‌ای به حساب می‌آید؛ که لازم است نظریه‌های مربوط به ساحت‌های دیگر دخیل در موضوع نیز در طراحی الگوی هویت‌بخش به موضوع محل توجه قرار گیرند. از همین جهت بود که لاسول معتقد بود یکی از ویژگی‌های مسئله در سیاست پژوهی چند رشته‌ای بودن آن است (Howlett & Ramesh, 1995:10). بر این اساس باید نظریه‌های تخصصی دیگر در طراحی الگو مورد توجه قرار گیرند و در نتیجه چارچوب مفهومی تحلیل مسئله نیز متأثر از این نظریه‌ها خواهد بود.

تأثیر مبانی در این میانه به این صورت خواهد بود که مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، انسان‌شناختی و ... نظریه‌ها را شکل می‌دهند و نوع و چگونگی آنها را تعیین می‌کنند و نظریه‌ها نیز نظام‌های هویت‌بخش به موضوع و در نتیجه الگوهای حاکم بر موضوع را تحت تأثیر قرار می‌دهند. تأثیر همگی نیز بر چارچوب مفهومی حاکم بر موضوع تعیین یافته و عینی می‌شود. هر چند دخالت دادن اقتضائات زمانی و مکانی در طراحی الگو نیز با ملاک‌هایی همراه خواهد بود که نظریه‌های هنجاری مزبور در اختیار سیاست‌پژوه قرار می‌دهند. در شکل زیر نحوه ارتباط مبانی، نظریه‌ها، نظام، الگو و چارچوب مفهومی حاکم بر مسئله بر اساس مباحث پیش‌گفته نشان داده شده است.



شکل شماره ۲: مدل مفهومی نحوه ارتباط نظریه‌ها، نظام و الگو

نظریه‌های تخصصی نشان داده شده در نمودار بالا که ناظر به دیگر اشکال مسئله مورد بحث هستند بسیار قابل توجه هستند و در فرایند سیاست پژوهی باید مورد توجه قرار گیرند. این نظریه‌ها هر چند به صورت تخصصی به محتوای مسئله نمی‌پردازند ولی حاوی نکات کلی‌ای هستند که در فرایند سیاست پژوهی و حتی دخیل نمودن عناصری در چارچوب مفهومی مسئله بسیار تأثیر گذارند. به عنوان مثال در کشور ایران اسلامی، نظریه انقلاب اسلامی ملاک‌هایی را در اختیار می‌گذارد که باید در تمامی سیاست‌ها رعایت شوند. تفاوت نوع مواجهه و مداخله (سیاست) ایران اسلامی در مسائلی مشابه با مسائل سایر کشورها به این نظریه برمی‌گردد. یا نظریه حکمرانی اسلامی نوع حکمرانی و مداخله حاکمیت در مسائل جامعه اسلامی را معین می‌نماید.

علاوه بر این، نظریه دولت^۱ نیز باید مورد توجه هر سیاست پژوهی قرار گیرد؛ زیرا در این نظریه طبیعت و ماهیت دولت‌های پیشرفته، کارکردهای آن، مشروعیت و حقوق آن و میزان اختیار آتش در نسبت با مردم و سایر حوزه‌ها معلوم می‌گردد (George & Smith, 1895: 189). عدم توجه به این نظریه و ملاک‌های منبعث از آن سبب می‌شود مداخلاتی (سیاست‌هایی) طراحی شوند که واقعاً در حیطه اختیار دولت‌ها نیست و نوعی دست‌اندازی به اختیارات مردم حساب می‌شوند و در نتیجه با اجرای آنها وضعیت مسئله وخیم‌تر می‌شود.

1. State Theory

نظریه دیگری که در شکل‌دهی به چارچوب مفهومی مسئله دخالت دارد، نظریه پیشرفت (توسعه) است. این نظریه در خصوص تغییر در جامعه صحبت می‌کند و بیان می‌کند که تغییر به سمت حالتی بهتر، چگونه رخ می‌دهد و فرایندهای تغییر در جامعه چگونه است؛ بنابراین در این نظریه به پیشران‌های تغییر نیز اشاره می‌شود و علاوه بر این شرایط بومی کشور نیز به خوبی مدنظر قرار داده می‌شود. به همین دلیل است که نظریه پیشرفت در دو کشور علی‌رغم یکسان بودن مبانی آنها، ممکن است متفاوت باشند. به عنوان مثال در کشور جمهوری اسلامی ایران از نظریه پیشرفت ایرانی اسلامی سخن گفته می‌شود که هم ایرانیت در آن لحاظ می‌شود و هم اسلامیت، در حالی که این نظریه در کشور عراق مناسب نیست؛ بنابراین، به دلیل اینکه در این نظریه حالت مطلوب کشور ترسیم می‌شود و قواعد کلی حاکم برای تغییر از وضع موجود برای رسیدن به وضع مطلوب بیان می‌شود، پس در سیاست پژوهی اصول و قواعد کلی آن باید مدنظر قرار گیرد زیرا سیاست پژوهی در پی دستیابی به راه‌حل‌های تغییر در مسئله و سوق آن به سمت مطلوب است. پس باید اصول منتج از نظریه پیشرفت آن جامعه و کشور به دقت در چارچوب مفهومی تحلیل مسئله اشراک شود.

علاوه بر نظریه‌های فوق نظریه‌های عمومی دیگری نیز هستند که حسب مورد، باید مورد توجه قرار گیرند. به عنوان مثال تمام سیاست‌پژوهی‌هایی که در ساحت فرهنگ انجام می‌شود باید ذیل نظریه فرهنگ صورت گیرند و دلالت‌های آن در طراحی چارچوب‌های مفهومی مسائل دخالت داده شود.

۴-۴- تأثیر مبانی در ارائه راه‌حل

همان‌طور که پیش از این آمد، مرحله سوم سیاست پژوهی ارائه راه‌حل مناسب برای مسئله است. همان‌طور که گذشت در این مرحله باید راه‌حل‌های ارائه شده از سوی دیگران بررسی و نقد شود، وضعیت موجود تحلیل گردد، نسبت به نظرات دیگر کشورها در مورد مشابه بررسی تطبیقی انجام شود و نهایتاً با توجه به چارچوب مفهومی هویت‌بخش به موضوع اقدام به تدارک راه‌حل‌های خلاقانه گردد. طبیعی است در همه مراحل اولیه نیازمند مبانی و نظریه‌های مورد نیاز هستیم؛ زیرا نقد نظرهای دیگران و تحلیل وضعیت موجود نیازمند در اختیار داشتن ملاک‌هایی واقعی و دقیق است؛ که همان‌طور که در

بخش مسئله‌یابی بیان شد، مستخرج از مبانی و نظریه‌های برخاسته از آنها است. در غیر این صورت نقد نظرهای دیگران و تحلیل وضعیت موجود، علمی و دقیق نخواهند بود. حتی در بخش بررسی تطبیقی نیز مبانی و نظریه‌های بومی برآمده از آنها نقش اساسی دارند. زیرا بررسی تطبیقی، صرفاً یک مقایسه عرفی و بی‌مبنا نیست، بلکه در بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای باید دستگاه فکری، فرهنگی و معرفتی کشور طرف مقایسه که در مسئله مشابه اقدام به طراحی راه‌حلی کرده است، به خوبی شناسایی و نقد شود. در غیر این صورت اساساً درک درستی از راه‌حل ارائه شده و لوازم آن حاصل نمی‌شود و در نتیجه رد یا قبول آن راه‌حل علمی و معتبر نخواهد بود و ممکن است در طراحی راه‌حل نهایی موجب وقوع خطا شود.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی جایگاه مبانی دینی در مراحل و فرایند سیاست پژوهی با رویکرد عقلانیت دینی انجام شد. در این مقاله مشخص شد، وجه فارق سیاست پژوهی غیر دینی و سکولار با سیاست پژوهی دینی در نوع دخالت این مبانی در مراحل مختلف سیاست پژوهی است. در مقاله نشان داده شد مبانی دینی که برآمده از نقل (قرآن کریم و سنت شریف) و عقل هستند، با تأثیر در چگونگی نظریه‌های تخصصی و عمومی در تعیین ملاک‌های شناخت مسئله، در چارچوب مفهومی تعریف و تحلیل مسئله و در نقد راه‌حل‌های محتمل و ارائه راه‌حل خلاقانه جدید و همچنین در ارائه ملاک‌هایی برای تعیین شاخص‌های ارزیابی و نظارت بر سیاست دخالت جدی دارند. در این راستا مشخص شد که کشف مسئله موکول به در دست داشتن ملاک است و ملاک‌ها نیز منبعث از مبانی و نظریه‌ها هستند. در مرحله تعریف مسئله نیز پرداختن به چارچوب مفهومی تحلیل مسئله امری ضروری است که در این قسمت نیاز به نظریه‌های پایه و مبانی وجود دارد. نظریه‌های تخصصی ناظر به هر موضوع و نظریه‌های عمومی‌ای همچون نظریه انقلاب اسلامی، نظریه دولت، نظریه پیشرفت (تغییر)، نظریه حکمرانی، نظریه فرهنگ و .. نظریه‌هایی هستند که در مقام تبیین چارچوب مفهومی تحلیل مسئله به کار می‌روند. در مقام ارائه راه‌حل نیز به دلیل اینکه ضروری است راه‌حل‌های قبلی نقد شود، باید بررسی تطبیقی نسبت به راه‌حل‌های مشابه در دیگر کشورها انجام شود تا نهایتاً با کاربست خلاقیت و نظریه‌های دخیل در موضوع راه‌حل پیشنهاد شود؛ بنابراین برای این بررسی

نیز مجدداً نیازمند کمک گرفتن از مبانی دینی و عقلی خود هستیم؛ زیرا از یک سو نقد بدون در اختیار داشتن ملاک ممکن نیست و از سوی دیگر بررسی تطبیقی نیز باید از پایگاه دستگاه فکری صورت پذیرد.

منابع

۱. ادیانی، سید یونس (۱۳۸۴). کانون‌های تفکر، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲. استیفندی، رایینز، و سنرو، دیوید ای. دی (۱۳۸۶). مبانی مدیریت، ترجمه سید محمد اعرابی و محمدعلی حمید رفیعی و بهروز اسراری ارشاد، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. استیسی، رالف (۱۳۸۲). ماهیت استراتژی، ترجمه گروه مترجمان، ماهنامه توسعه مدیریت، ش ۵۳.
۴. اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶). سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۵. الوانی، سید مهدی، و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۷). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۶. الوانی، سید مهدی (۱۳۹۹). مدیریت عمومی، تهران: نشر نی.
۷. ایمان، محمدتقی (۱۳۹۴). فلسفه روش تحقیق در علوم انسانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. آقابخشی، علی، و افشاری راد، مینو (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چ اول، نشر چاپار.
۹. پارسونز، وایر (۱۳۸۵). مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، ج ۱، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: انتشارات مطالعات راهبردی.
۱۰. چرچمن، چارلز وست (۱۳۶۹). نظریه‌ی سیستم‌ها، ترجمه رشید اصلانی، تهران: نشر مرکز مدیریت دولتی.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. رضائیان، علی (۱۳۸۱). مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۳. رضائیان، علی (۱۳۷۷). اصول مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۴. فروزنده، لطف‌الله، و رحیمی کلور، حسین (۱۳۹۰). عقلانیت و جایگاه آن در سیاست‌گذاری، کیهان فرهنگی، (۲۹۴-۲۹۵)، ۲۲-۳۰.
۱۵. قریب، حسین (۱۳۹۰). بررسی کارکردهای انواع عقل در سیاست‌گذاری عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۶. قلی‌پور، رحمت‌الله، و غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۹). فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۷. کاظمی، سید علی‌اصغر (۱۳۷۹). مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. کولیچ، اچی. کی (۱۳۹۳). سیاست، ترجمه احمد صبوری، تهران: انتشارات آشیان.
۱۹. کوئتر، هرولد، اودائل، سیریل، و بهریخ، هاینز (۱۳۸۵). اصول مدیریت ج دوم، ترجمه محمدعلی طوسی، علی‌اکبر فرهنگی، امین‌الله علوی و اکبر مهدویان، تهران: مدیریت چاپ و انتشارات موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲۰. میرمعزی، سید حسین (۱۴۰۱). نظام اقتصادی اسلام، مجموعه مقالات فقه نظام به کوشش سید سجاد ایزدهی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۷۰-۱۳۰.

21. Friedrich.C.J,(1963). Man and His Government, New York, Mc Graw-Hill.
22. George H. Smith E. (1895).The Theory of the State: Proceedings of the American Philosophical Society, 34(148) pp. 181-334, *American Philosophical Society*.
23. Guba, E. G. & Lincoln, Y. S. (1994).Competing paradigms in qualitative research. In N. K. Denzin & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research* (105-117).
24. Lasswell.H.D., Kaplan,A. (1970). Power and Society, USA, Yale University.
25. Majechrzak, A. (2005). Policy Research Methods (Research for Policy Making), Naibi translation. Tehran: Tebyan Cultural-Publishing Institute.
26. Michael .Howlett ., M. Ramesh, (1995), “Studing Public Policy Cycle, and Policy Subsystems”, Oxford University Press, P. 146.
27. Harriss John,Development Theories:
28. <https://idl-bnc-idrc.dspacedirect.org/bitstream/handle/10625/51544/IDL-544.pdf?sequence=1&isAllowed=y>.
29. <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com>.
30. <https://dictionary.cambridge.org>.
31. Cambridge Dictionary, from www.dictionary.cambridge.org.
32. The Oxford English Dictionary; p.902.
33. The Random House Dictionary Of The English Language; p.1967.